

سی و دو مقاله
در نقد و تصحیح متون ادبی



تألیف

دکتر محمد امیدسالار

www.ketab.ir

www.ketab.ir



سرشناسه	امیدسالار، محمود، ۱۳۲۸ - Omidسالار, Mahmoud
عنوان قرارداد	شاهنامه. شرح
عنوان و نام پدیدآور	سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی / تألیف محمود امیدسالار
وضعیت ویراست	[ویراست ۲].
مشخصات نشر	تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۶۶۳ ص.
فروست	مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار یزدی؛ ۱۳۲.
شابک	گنجینه قلمرو زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۳۴.
وضعیت فهرست نویسی	۸-۷۹-۷۹۴۲-۵۹۴۲-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت	فینیا
یادداشت	چاپ دوم.
یادداشت	نمایه.
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism and interpretation
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۴ ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	Persian poetry -- 10th century -- History and criticism
شناسه افزوده	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه. شرح
شناسه افزوده	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ص ۷ الف / PIR ۴۴۹۵
رده بندی دیویی	۸۱۶ / ۲۱
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۵۷۱۶۷



سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی



تألیف دکتر محمود امیدسالار

گرافیسیت، طراح و مجری جلد گروه حسن بیگا

صفحه آرا بیوک رسایی

لینوگرافی کوثر

چاپ متن آزاده

صحافی حقیقت

تیراژ ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول، ویرایش جدید زمستان ۱۳۹۷

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف نسب

تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، بلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



فهرست

بخش اول - شاهنامه

۱. نسخه شاهنامه لندن ۲۳
۲. ابیات پادشاهی بهرام گور در شاهنامه ۵۳
۳. عبارتی از مقدمه شاهنامه ابومنصری ۷۱
۴. مقدمه داستان اشکانیان در شاهنامه ۸۱
۵. پیشنهادهایی درباره متن برخی از ابیات داستان هرمزد و شیروان در شاهنامه مسکو ۹۵
۶. برخی تصحیحات داستان‌های پادشاهی ساسانیان ۱۰۹
۷. نکاتی پیرامون برخی از ابیات داستان‌های اسکندر و اشکانیان در شاهنامه خالقی مطلق ۱۲۹
۸. دو احتمال در تفسیر و تصحیح دو بیت از شاهنامه تصحیح خالقی مطلق ۱۴۷
۹. اقبال آشتیانی و برنامه تصحیح شاهنامه ۱۵۷
۱۰. «بگشتی» یا «بگشنی» در شاهنامه ۱۷۱
۱۱. نظری بر بوطیقای شاهنامه ۱۷۹
۱۲. کتاب اختیارات شاهنامه ۱۹۵
۱۳. درباره ز شیر شتر خوردن و سوسمار ۲۰۳
۱۴. علامه قزوینی، شاهنامه و اشاعه داستان‌های حماسی ایران در میان اعراب جاهلی ۲۰۷
۱۵. درباره معجم شاهنامه از علوی طوسی ۲۲۳

۱۶. نام اسپ افراسیاب ۲۳۹
۱۷. هلن و هُجیر، فردوسی و هُمیر ۲۴۳
۱۸. متن نهایی شاهنامه ۲۷۱

بخش دوم - متون

۱۹. تاریخ بیهقی و سواد امیران غزنوی ۲۸۹
۲۰. علامه قزوینی و فن تصحیح (ملاحظات پیرامون چهارمقاله) ۳۱۵
۲۱. دارابنامه طرسوسی ۳۴۹
۲۲. سمک عیار ۳۷۳
۲۳. عباید دنیا و ابوالمؤید بلخی ۴۱۱
۲۴. علی نامه ربیع ۴۱۷
۲۵. گرشاسپ نامه ۴۳۵
۲۶. مجمل التواریخ و التاج ۴۴۵

بخش سوم - فن تصحیح متن

۲۷. تاریخچه‌ای از تصحیح متن در غرب ۴۸۷
۲۸. اهمیت اتمام صحیح در تصحیح انسانی ۵۱۳
۲۹. خالق مطلق و فن تصحیح متن در ایران ۵۲۱

بخش چهارم - مباحث ادبی

۳۰. قدمت نسبی برخی از متون فارسی موجود در روایات زرتشتی ۵۲۹
۳۱. حماسه ۵۴۷
۳۲. بهار و تصحیح متن ۵۶۵
- اعلام اشخاص و گروه‌ها و سلسله‌ها ۵۸۷
- اعلام کتاب‌ها و مقالات و نشریات ۶۰۳

پیشگفتار

بررسی تاریخ ادبیات و فرهنگ ایران باید از درون تمدن ایرانی به انجام رسد. باید اول دید گذشتگان با مسائل مربوط به ادبیات و غوامض تصحیح متون خودمان چه می‌کرده و چه شیوه‌ها و شگردهایی را در حق این دهنه مشکلات به کار می‌گرفته‌اند. اگر معلوم شد که آن شیوه‌ها و شگردها دیگر به کار نمی‌آیند، آن وقت می‌توان به سراغ روش‌های دیگران رفت و از آنها مدد خواست. تازه روش‌های مفید بیگانه هم محصور به روش‌های غربی نیست.

تمدن‌های چین و هند هم راه‌کسب و نظریه‌های بسیار مفید ادبی و علمی داشته‌اند که این نظریه‌ها در بسیاری از موارد با فرهنگ و تمدن ایران سازگارتر است. مثلاً اگر به روند مناسبات دیپلماتیک در شاهنامه که سند هویت ملی ایران است، نگاه کنید، می‌بینید که تبادلات میان ایران و چین و هند، و حتی توران، به مراتب پیش از روابط ایران و روم است.

ایران، چین و هند سه غول تمدن مشرق‌زمین‌اند که هر کدام به نحوی از خواب سیصدساله‌ای که جادوی استعمار غرب بر آنها افکنده بود بیدار شدند. دیگر نمی‌توان این غولها را به زندان شیشه‌ای سه قرن اخیرشان بازگرداند. این حقیقتی است که فرنگی‌ها در مورد چین قبول کرده‌اند، در مورد هند هم کم‌کم دارند بدان پی می‌برند، اما در مورد ایران از قبول این واقعیت طفره می‌روند. وظیفه ملی اندیشمندان جوان ما این است که فرنگ را ملزم به قبول این حقیقت بکنند. این تصور که هرچه شرقی و ایرانی است بد و نابسامان است و هرچه فرنگی و غربی است خوب و روشمند، اعتقادی است واهی و مرده‌ریگی از دوران جهان‌بینی مستعمراتی که دیگر جایی در فرهنگ ایرانی ندارد. البته من با استخدام روش‌های فرنگی که ممکن است در تحقیقات ادبی ما کارآیی داشته باشند مخالفتی ندارم. مخالفت من با پیروی کورکورانه است نه با استخدام یا وام‌گیری.

آنچه از بیگانه قرض می‌کنیم، چه غربی باشد و چه شرقی، باید پیش از استفاده، مطابق با

احتیاجات بومی ادب، زبان، و فرهنگ خودمان بازسازی شود. کجای قانون طبیعت نوشته است که ایرانی قادر به نظریه پردازی علمی در باب ادب و فرهنگ نیست؟ چرا باید جریان حرکت نظریه های علمی و ادبی از غرب به شرق باشد؟ مگر نه این است که تمدن اروپا تا همین چند قرن قبل مدیون تمدن و علوم اسلام بود؟ مگر غیر از این است که گذشته از زیربنای مذهبی و اعتقادی اسلام که کاری به ایران ندارد و میراث مشترک همه مسلمانان جهان است، روینای تمدن اسلامی، از پزشکی و فلسفه و ریاضیات و هنرهای زیبا و علوم بیشتر مدیون تلاش های اندیشمندان ایرانی است؟

داستان بیش از دو هزار سال از دو هزار و پانصد سال تمدن و فرهنگ ایران که در بطون تواریخ مضبوط است، داستان سیادت ایران و ایرانی بوده است. سرافرازی و غیرت ایرانی کجاست نه حالا ما باید خود را حتی در علوم ادبی مربوط به زبان مادری خودمان هم جیره خوار فرنگ بدانیم و این بهره خواری را جزو مدرنیسم تصور کنیم؟ به قول حکیم طوس:

نیکان را شاهان ما تا بُدند به هر سال باژی همی بستند
به هر کجا سر را زبون بود روم کنون بخت آزادگان گشت شوم

بنده بسیار دیدم در آن ساداتی که از برخی تصحیحات وطنی می شود، منتقد به رسم الخط تصحیح و یکدست نبردن آن ایراد می گیرد. در تصحیح متن و مخصوصاً در چاپ متون منقح هیچ لزومی ندارد که یک رسم الخط واحد رعایت شود. کسی که ادنی آشنایی با رسم الخط دستنویس های فارسی داشته باشد نمی گوید که کاتبان قدیم یک رسم الخط واحد را رعایت می کرده اند. بیشتر متخصصان می دانند که گاهی کاتب واحد، در نسخه واحد - و حتی بعضاً در سطر واحد - یک کلمه را به چند رسم الخط می نویسد، و این تنوع به نظر بنده عیب خط فارسی نیست، بلکه حسن آن است. مثال دوم انتخاب نسخه اساس در تصحیح و پافشاری برخی از ادبای خودمان در پیروی از آن است. شکی نیست که نسخه قدیم ما به اعتبار نسخه اعتقاد داشتند و به نسخه معتبر اهمیت می دادند. اما هیچگاه خود را پیروی طابق النعل بالنعل از نص نسخه اساس موظف نمی دیدند بلکه ذوق سلیم، احاطه علمی، سلاطین جنبی متعدّد دیگری را هم در نظر می گرفتند. این رسم غلامی نسخه اساس کردن از غرب به ایران وارد شده و هیچ پایه و اساس فرهنگی، تاریخی، و حتی علمی ندارد. البته در این که زمام تصحیح را نباید یکسره به دست سلیقه شخصی و ذوق سپرد حرفی نیست. اما پر بها دادن به نص نسخه اساس هم راه به جایی نمی برد. هردوی این نوآوری ها، یعنی یکدست کردن رسم الخط در چاپ متون مصحح و تکیه بیش از حد بر نسخه اساس از ابداعاتی است که با سنت فرهنگ ادبی ما تناقض دارد و باید دوباره به دقت مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

گذشته از یکدست کردن رسم الخط و تکیه بیش از حد بر نسخه اساس، برخی دیگر از

پیشداوری‌هایی که در میان ما رسم شده نیز از مقولات استقرایی و ناپسند فرنگی است. مثلاً بیانات نژادپرستانه نادرستی که در نوشته‌های بسیاری از متخصصان شاهنامه به چشم می‌خورد، مخصوصاً توهین به محمود غزنوی یا دیگران به خاطر ترک بودنشان، یا تازی خواندن اعراب، نباید اجازه داد که چنین داوری‌های نژادپرستانه‌ای که از صفات ناپسند فرنگی‌هاست در تحقیقات ایرانیان در باب رجال علم و ادب و تاریخ ایران اثر بگذارد.

از مدیران مجله‌های آینه میراث، نامه بهارستان و ایران‌شناسی که شفاهاً اجازه تجدید چاپ بخشی از این کاغذپاره‌ها را، که قبلاً چاپ شده بود، داده‌اند متشکرم. از فاضل جوان، آقای پژمان فیروزبخش که زحمات برخی کارهای مقدماتی آماده کردن این مقالات را بر خود هموار کرد نیز سپاسگزارم.

محمود امیدسالار